

## سلبریتی‌هایی بدون فرش قرمز



# CELEBRITY

نمی خواهیم و بنا هم نداشتیم نقش یک پاپرتزی را بازی کنیم و وارد زندگی خصوصی و روابط پیچیده سلبریتی ها بشویم تا ثابت کنیم بسیاری از آن ها که برایشان یقه چاک می دهیم، اگر ارزش شهرت را یدک نمی کشیدند حتی حاضر نبودیم در کنارشان قدم بزنیم.

به گزارش پایگاه جامع سازمانهای مردم نهاد همذات پنداری همواره نقش دو روی یک سکه را داشته است. برخی آن را فرصت و برخی هم در هیاهوهای این روزها تهدید می دانند اما واقعیت آن است که همذات پنداری در ارتباطات اجتماعی به عنوان یک فرصت تلقی می شود و نه تهدید. باور کنی یا نه در دنیای امروز سلبریتی‌ها خیلی مورد توجه هستند. دنیای کسانی که با "کت واک" روی فرش قرمز هزاران چشم را به سمت خود هدایت می کنند. در واقع ویتترینی مملو از ارزش‌های نو و زیبا شده ای که ما را اغوا می کند و بی آن که خود بدانیم بازتابش در جامعه خود را نشان می دهد و بر رفتارهایمان تاثیر می گذارد. باید از خود این سوال را بپرسیم که سلبریتی‌ها، با لایک‌ها و فالوئرهای میلیونی شان، چه تاثیری بر ارزش‌های جامعه دارند و چه چیزی به مخاطب خود عرضه می کنند که این همه طرفدار در اطراف خود جمع کرده اند. ولی سوال مهم تر باید این باشد که حضور آن‌ها در شرایط حاد کنونی، با شکاف‌های اجتماعی چه می کند؟ آن‌ها را می پوشاند و مخفی می کند یا این شکاف‌ها را پر می کند؟

نمی خواهیم و بنا هم نداشتیم نقش یک پاپرتزی را بازی کنیم و وارد زندگی خصوصی و روابط پیچیده و گاه پر از ابهام سلبریتی‌ها بشویم تا ثابت کنیم بسیاری از آن‌ها که برایشان یقه چاک می دهیم، اگر ارزش شهرت را یدک نمی کشیدند حتی حاضر نبودیم در کنارشان قدم بزنیم.

می خواهیم از نوع دیگری از سلبریتی‌ها بگویم که در میان ما هستند و گاه دیده نمی شوند. نه کت واک بلدند و نه فرش قرمزی برایشان گسترده اند. نه لوکیشن‌های فانتزی و اعجاب انگیز برایشان تدارک دیده اند و نه چندین دوربین از زوایای گوناگون قهرمان بازیشان را به تصویر می کشند تا سرانجام بر پرده نقره ای ظاهر شوند و همه برایشان کف و سوت بزنند. آن‌ها هرگز به فکر شهرت نبودند و نیستند، یا به فکر قهرمان شدن. آن‌ها فقط خودشان بودند و خودشان هستند و تاثیر گذاری عمیق شان نیز به همین دلیل است.

حتما شما هم خیرش را شنیده اید؛ "هوشیاری یک چوپان، اهالی روستای پسوه پیرانشهر را از مرگ حتمی نجات داد." «کامل» مرد جوان پیرانشهری وقتی دید که سیل به طرف روستا در حرکت است، با اطلاع‌رسانی به موقع باعث شد تا همه اهالی خانه‌هایشان را تخلیه کنند و در جای امنی پناه بگیرند. مسئولیت پذیری، هوشیاری و خبررسانی به موقع او باعث شد که در این حادثه فقط یک کودک دو ماهه جاننش را از دست بدهد، درحالی‌که به گفته ساکنان این منطقه اگر سیل بی‌خبر وارد روستای

پسوه می‌شد، حداقل 200 تا 300 نفر جانشان را از دست می‌دادند.

از سوی دیگر کمتر از شش ماه پس از مرگ " ازبرعلی حاجوی" یا همان ریزعلی خواجوی که همه او را به نام «دهقان فداکار» می‌شناختند، این بار دهقان 61ساله‌ای اهل زنجان با فداکاری توانست جان ده‌ها مسافر قطاری را که از تبریز راهی تهران بود، نجات دهد. "حسین علیمردانی" وقتی متوجه شد خاک زیر ریل آهن به خاطر باران فرو ریخته و در صورت عبور قطار ممکن است فاجعه‌ای رخ دهد، تصمیم گرفت هر طور شده مسافران قطار را نجات دهد. این جا بود که او نیز مثل ریزعلی خواجوی روی ریل شروع به دویدن کرد و ... یکی دیگر از این سلبیرتی‌های گمنام، بعد از زلزله 7.3 ریشتری سرپل ذهاب در حالی که می‌توانست خود و خانواده اش را در محیطی مناسب ساکن کند و به زندگی اش پردازد بی هیچ انتقادی، در میان زلزله زده‌گان ماند و دو ماه، با زن و بچه، درون چادر و همانند همه زلزله زده‌گان دیگر رنج بی سرپناهی و کمبود را تحمل کرد تا آن که پس از دو ماه با اصرار شورای تامین و به زور راضی به سکونت در کانکس شد.

اما سلبیرتی مد نظر ما باز هم صحنه واقعی زندگی را ترک نکرد و در میان همذات پندارانش ماند. در روزهای دشوار بارندگی‌های شدید مناطق زلزله زده با لباس مبدل به میان مردم می رفت و در گل و لای، به آن‌ها که چادرشان در معرض تهدید آب گرفتگی بود کمک می کرد و خیلی رفتارها و کارهای دیگر که نیازی به جلوه‌های ویژه برای بزرگ نمایی و قهرمان سازی نداشت. پس از آن حجت الاسلام "فاطمی نسب"، امام جمعه سرپل ذهاب، سلبیرتی خیلی‌ها شد. پیش از آن نیز سلبیرتی نوظهور دیگری با یک اقدام عجیب خود را به شهرت رساند. اگر خاطرتان باشد با دستور مستقیم حجت‌الاسلام "سید محمدعلی آل‌هاشم" امام جمعه تبریز، نرده‌هایی که صف مسئولان را از مردم در نماز جمعه جدا می‌کرد برداشته شد تا دیگر هیچ دیواری بین خدمت گزاران نظام و ملت قرار نگیرد. این دستور قالب شکنانه وی باعث شد تا ناخواسته نظر خیلی‌ها را به خود جلب کند و به زودی آوازه اقدامات نماینده ولی فقیه در استان آذربایجان شرقی زبازرد خاص و عام شد و در طول مدت کوتاهی میزان محبوبیت وی بین مردم به صورت چشمگیری افزایش یافت.

او پیشتر نیز با تماس‌های غافلگیرانه خود با مردم عادی، حضور در مجامع عمومی بی هیچ تشریفاتی، سوار شدن به اتوبوس و تردد با تاکسی در داخل شهر خبرساز شده بود. اما حالا دیگر قهرمانی شده است برای خودش بین پیر و جوان و خیلی‌ها دوست دارند مثل او باشند و مثل او زندگی کنند. فراموش نکنیم که این‌ها افراد موثر و بزرگی هستند که در میان ما و در همین جامعه به سادگی زندگی می کنند و گرنه ما قهرمانان بسیار بزرگی نیز داشته و داریم که دیگر میان ما نیستند؛ ما از جمله شهید کاهوه‌ها، شهید جهان آراها، شهید فهمیده‌ها و حججی‌ها کم نداشته و نداریم اما الگوهای حی و حاضری نیز داریم که وجودشان می تواند از مشکلات موجود و آسیب‌های اجتماعی بکاهد.

ما طرفدار آن چیزی هستیم که نداریم و دوست داریم روزی به دست بیاوریم. ما جذب سبک زندگی، زیبایی، ثروت، شهرت و نوع دوستی سلبیرتی‌ها می شویم، چون پکیج کاملی از همه آن چیزهایی هستند که در زندگی انتظارش را می کشیم. اما سلبیرتی‌هایی هم هستند که نه تصنعی بلکه خیلی واقعی ارزش‌های مبتذل را دگرگون می کنند، پالایش می کنند و جایش ارزش‌های اخلاقی انسانی می نشانند، بدون هزینه‌های گزاف و تبلیغات رنگارنگ.

آن‌ها سلبیرتی‌هایی هستند که خودشانند، خود واقعی شان که می توانند الگوهای واقعی ما نیز باشند بی واسطه، بی رویا پردازی و در دسترس. آن‌ها منتظر نمی مانند تا کسی که همواره در سایه است داد بزند، دوربین، صدا، حرکت. آن‌ها خیلی پیش از این با توکل به او، حرکت کرده اند، بی دوربین و بی صدا.

منبع: خراسان

<http://ngobase.ir/node/1346>